



The University of Tehran Press

Social Capital Management

Home Page: <https://jscm.ut.ac.ir/>

Online ISSN: 2423-6233

The Management Model of the Prophet (PBUH) to Preserve and increase the Social Capital of the Nascent Society of Sadr Islam in the Face of Hard and Soft Social Damages

Mojtaba Akhoondi 

Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Communication, Jame Almostafa, Qom, Iran. Email: aliali7906@gmail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received August 28, 2023
Revised February 03, 2024
Accepted February 05, 2024
Published online September 07, 2024

Keywords:
Social capital,
Social damages,
Prophet (PBUH),
Management model

ABSTRACT

Social capital is a concept in sociology that has applications across various human sciences, including economics, management, social sciences, and political sciences. It refers to relationships within and between groups. Social capital, or the spiritual dimension of a community, is a historical legacy that encourages individuals to "cooperate" and "participate" in social interactions, thereby enabling the community to overcome its challenges and progress toward growth and development in economic, political, cultural, and other domains. With the formation of the Islamic government under the Messenger of Allah (PBUH), the need to preserve Islamic capital and making informed decisions regarding it became particularly critical. Due to the fact that the enemies of Islam sought to undermine the government and reduce social capital by various soft and hard tactics, the Prophet (PBUH) implemented specific strategies. This article explores the actions of the Holy Prophet (PBUH) aimed at maintaining and enhancing the social capital of the nascent society of Sadr Islam in the face of hard and soft social injuries, utilizing a descriptive-analytical method, with an interpretive approach and a phenomenological view of Social issues.

Cite this article: Akhoondi, M. (2024). The Management Model of the Prophet (PBUH) to Preserve and increase the Social Capital of the Nascent Society of Sadr Islam in the Face of Hard and Soft Social Damages. *Social Capital Management*. 11 (3), 315-335. Doi: <http://doi.org/10.22059/jscm.2024.363291.2435>



© Mojtaba Akhoondi **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2024.363291.2435>



الگوی مدیریت پیامبر (ص) جهت حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی جامعه نوپای صدر اسلام در مواجهه با آسیب‌های سخت و نرم اجتماعی

مجتبی آخوندی

گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات، جامعه المصطفی، قم، ایران. رایانامه: ali7906@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

کلیدواژه:

آسیب‌های اجتماعی،

الگوی مدیریت،

پیامبر (ص)،

سرمایه اجتماعی.

سرمایه اجتماعی مفهومی در جامعه‌شناسی است که کاربردی در بسیاری از علوم انسانی نظیر اقتصاد، مدیریت، علوم اجتماعی، و علوم سیاسی دارد و جهت اشاره به ارتباطات درون و بین گروهی از آن استفاده می‌شود. سرمایه اجتماعی، یا بعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع فائق آید و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و ... را امکان‌پذیر سازد. با تشکیل حکومت اسلامی توسط رسول الله (ص) در صدر اسلام لزوم توجه به سرمایه‌های اسلام و اتخاذ تصمیماتی در جهت حفظ آن اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. با توجه به اینکه دشمنان اسلام با روش‌های گوناگون نرم و سخت به دنبال آسیب رساندن به حکومت و کاهش سرمایه اجتماعی بودند، پیامبر (ص) راهکارهایی ویژه را دنبال کردند. در این مقاله اقدامات پیامبر مکرم (ص) در جهت حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی جامعه نوپای صدر اسلام، در مواجهه با آسیب‌های سخت و نرم اجتماعی، با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تفسیری مورد کنکاش قرار گرفته است.

استناد: آخوندی، مجتبی (۱۴۰۳). الگوی مدیریت پیامبر (ص) جهت حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی جامعه نوپای صدر اسلام در مواجهه با آسیب‌های سخت و نرم اجتماعی. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۱ (۳) ۳۱۵-۳۳۵.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2024.363291.2435>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© مجتبی آخوندی

DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2024.363291.2435>



۱. مقدمه

امروزه توفیق سازمان‌ها را نمی‌توان تنها در انباشت ثروت مادی و تجهیز به آخرین امکانات فیزیکی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی ارزیابی کرد (مقیمی و همکاران، ۱۳۹۰). در کنار سرمایه‌های انسانی و مالی و فیزیکی، شکل دیگری از سرمایه به نام سرمایه اجتماعی مورد توجه روزافزونی قرار گرفته است (باستانی و رزمی، ۱۳۹۳). زیرا در جامعه‌ای که بدون سرمایه اجتماعی است دیگر سرمایه‌ها به طور بهینه به کار گرفته نخواهند شد و کارایی لازم را ندارند (بیکر، ۱۳۸۲: ۲۹). سرمایه اجتماعی مفهومی در جامعه‌شناسی است که در بازرگانی، اقتصاد، علوم انسانی، و بهداشت عمومی جهت اشاره به ارتباطات درون و بین گروهی از آن استفاده می‌شود. اگرچه تعاریف مختلفی برای این مفهوم وجود دارد، در کل سرمایه اجتماعی به عنوان نوعی «علاج همه مشکلات» جامعه مدرن تلقی شده است. ایده اصلی این است که «شبکه‌های اجتماعی دارای ارزش هستند. همان‌طور که پیچ‌گوشی (سرمایه فیزیکی) یا تحصیلات دانشگاهی (سرمایه انسانی) هم به صورت فردی هم در شکل جمعی می‌توانند موجب افزایش بهره‌وری شوند، ارتباطات اجتماعی هم بر بهره‌وری افراد و گروه‌ها تأثیر می‌گذارند. سرمایه اجتماعی شامل حجم و کیفیت روابط میان انسان‌هاست که همکاری میان افراد را تسهیل می‌کند. مفهوم سرمایه اجتماعی از مفاهیم بسیار مهم و مفیدی است که در سه دهه اخیر در بسیاری از علوم انسانی نظیر اقتصاد، مدیریت، علوم اجتماعی، و علوم سیاسی مطرح و به کار گرفته شده است. هر چه مقدار سرمایه اجتماعی در یک جامعه بیشتر باشد، همکاری و هماهنگی میان افراد و گروه‌ها بیشتر است و منابع اقتصادی به صورت بهتری به کار برده می‌شود و پیشرفت و توسعه جامعه سریع‌تر انجام می‌شود. گفتنی است توجه به سرمایه‌های اجتماعی و لزوم حفظ آن فقط مربوط به سال‌های اخیر نیست؛ بلکه در اسلام هم توجه ویژه‌ای به آن شده است. در دین اسلام، با توجه به چهارچوب‌های اعتقادی و برنامه‌های ویژه برای آرامش و تعالی روحی انسان‌ها، مسلمانان به گونه‌ای تربیت می‌شوند که بسیاری از ارزش‌ها و صفات اخلاقی در آن‌ها به صورت درونی درمی‌آید که این صفات تأثیر زیادی بر کیفیت و کمیت روابط اجتماعی آن‌ها دارد. علاوه بر آن، اسلام توجه ویژه‌ای به اجتماعات و تعامل میان افراد دارد. بنابراین در این نوشتار سعی بر آن است که با توجه به خودآسیب‌های اجتماعی به عنوان اموری که در اینجا مورد «مطالعه موردی» قرار گرفته‌اند و با کنکاشی جامع به الگوی مدیریت پیامبر مکرم اسلام در بحث مهم سرمایه اجتماعی پرداخته شود.

۲. بیان مسئله

سرمایه اجتماعی^۱ در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده سطح توسعه و رفاه جوامع و توسعه محلی در سطوح گوناگون و مورد توجه خاص سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است. فوکویاما سرمایه اجتماعی را منعکس‌کننده توان افراد برای کار کردن با هم در جهت اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌ها می‌داند. به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای نشان‌دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود؛ طوری که در مواقع بحرانی می‌توان برای حل مشکلات از سرمایه اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود سود برد. در جوامع مدرن، افراد به یکدیگر اعتماد متقابل دارند و میان آن‌ها، حتی در صورتی که با یکدیگر آشنایی نداشته باشند، ارتباطات دوستانه و بر مدار صلح جاری است. اهمیت سرمایه اجتماعی نخستین بار طی انقلاب نخست فرانسه آشکار شد. رهبران این انقلاب دریافتند که مردم نه از طریق محلی که در آن زندگی می‌کنند، بلکه از طریق تجارب مشترک، همراهی در غم‌ها و شادی‌ها، از سر گذراندن بحران‌ها در کنار یکدیگر، و در مجموع هنگامی که موضوعی را با یکدیگر شریک می‌شوند به هم نزدیک می‌شوند و می‌توانند میان خود ارتباطات دوستانه داشته باشند و میانشان اعتماد دوطرفه برقرار شود. این تجارب مشترک نیز حاصل نمی‌شد مگر با برقراری ارتباط دوستانه میان آن‌ها. با این دریافت‌ها و نتایجی که حاصل شد، دیگر جوامع مکانیکی نمی‌توانستند پاسخگوی نیازهای بشر فعلی باشند.

دین اسلام هم اهمیت فوق‌العاده‌ای برای اجتماع قائل است و به همین خاطر مهم‌ترین احکام و شرایع خود، از قبیل حج و جهاد و نماز و انفاق و همین‌طور تقوای دینی، را بر اساس اجتماع قرار داده است. دین اسلام مردم را به اجرای دستورهای

1. social capital

پروردگار دعوت می‌کند تا از این طریق علاوه بر پاکی و تعالی معنوی افراد سعادت زندگی اجتماعی آن‌ها نیز تأمین شود. در قرآن کریم در برخی از آیات از انسان‌ها خواسته شده با تبعیت از شریعت اسلام با هم متحد باشند و به دور از تفرقه و اختلاف زندگی اجتماعی خوبی داشته باشند. این آیات عبارت‌اند از:

«وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.» (انعام / ۱۵۳).
 «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِبَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.» (انعام / ۱۵۹).
 «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.» (آل عمران / ۱۰۳).
 «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.» (آل عمران / ۱۰۵).

در آیات دیگری از قرآن کریم مسلمانان دعوت می‌شوند به اینکه بر اساس اتفاق و اتحاد و به دست آوردن منافع و مزایای معنوی و مادی اجتماعات خاصی را تشکیل دهند؛ مانند آیات:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.» (حجرات / ۱۰).
 «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمِينِ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضُلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.» (مائدة / ۲).
 «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.» (آل عمران / ۱۰۴).

این اجتماعات مشابه همان گروه‌های اجتماعی است که در مباحث جدید سرمایه اجتماعی با عنوان مشارکت اجتماعی مطرح می‌شود، با این تفاوت که گروه‌های اجتماعی مورد نظر اسلام فقط در چهارچوب موازین اسلامی و بر اساس تقوا و خیرخواهی ایجاد می‌شوند. سرمایه اجتماعی اسلامی بر اساس اصول اسلامی نظیر وحدت و اخوت و تعاون شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. سرمایه اجتماعی اسلامی همان انواع و اجزای سرمایه اجتماعی را دارد؛ یعنی انواع سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی و سطوح مختلف خرد و میانی و کلان برای سرمایه اجتماعی اسلامی هم وجود دارد. بنابراین سرمایه اجتماعی اسلامی از نظر شیوه‌های شکل‌گیری و توسعه متفاوت از سرمایه اجتماعی غیراسلامی است. ولی همان انواع و کارکردها را دارد. سرمایه اجتماعی اسلامی در بُعد شناختی بر اساس اصول وحدت و اخوت، فضایل اخلاقی نظیر حسن ظن، صداقت، درست‌کاری، مهربانی، تواضع، خوش‌خلقی، گشاده‌رویی، همدردی و کمک کردن به دیگران، بخشندگی و گذشت، پرهیز از آزار و اذیت، رعایت حقوق دیگران، فداکاری و ترجیح منافع دیگران بر منفعت شخصی و تحریم بدگویی، غیبت، تهمت، تبعیض و تعصب قومی، و سایر ردایل اخلاقی شکل می‌گیرد و اصولی نظیر تعاون، مصلحه و مرابطه، مشورت، و تکافل اجتماعی در کنار جنبه اجتماعی بسیاری از احکام و دستورهای اسلام مثل نماز جماعت، نماز جمعه، امر به معروف و نهی از منکر، حج، خمس، و زکات شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی اسلامی در بُعد ساختاری هستند.

تفاوت اساسی سرمایه اجتماعی اسلامی با سرمایه اجتماعی غیراسلامی در این است که روابط اجتماعی در اسلام بر اساس ایمان و در چهارچوب دستورهای اسلامی قابل ایجاد و توسعه است. مهم‌ترین مصداق این موضوع تعاون و مشارکت اجتماعی در اسلام است که تنها در کارهای مفید و در چهارچوب مقررات اسلامی مجاز است. این تفاوت نه تنها نقص محسوب نمی‌شود، بلکه موجب می‌شود گروه‌های اجتماعی زیان‌آور که در مباحث سرمایه اجتماعی با عنوان سرمایه اجتماعی منفی مطرح می‌شوند شکل نگیرند و مشارکت اجتماعی در الگوی اسلامی تأثیر مثبت بیشتری بر رشد و توسعه جامعه اسلامی خواهد داشت.

مسئله این تحقیق این است که الگوی مدیریت پیامبر^(ص) جهت حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی جامعه نوپای صدر اسلام به چه شکل بوده است که این جامعه نوپا با همه تشط‌های فرهنگی و آسیب‌های خارجی توانست نه تنها سرمایه اجتماعی اندک خود را بازتولید کند بلکه آن را توسعه دهد و به الگویی برای دیگر جوامع تبدیل شود.

۳. مبانی نظری

۱.۳. مفهوم‌شناسی

۱.۱.۳. امنیت

امنیت دوری از هر گونه تهدید و نیز آمادگی برای رویارویی با خطرات است. مفهوم امنیت نسبی و دارای شدت و ضعف است؛ به این معنا که در برخی موقعیت‌ها (زمان‌ها و مکان‌های مختلف) در ذهن افراد ارتقا یا کاهش می‌یابد. امنیت از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۸). امنیت در گفتمان سلبی بر نبود خطر و تهدیدات استوار است. ولی امنیت در گفتمان ایجابی به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد (نوبدینیا، ۱۳۸۴).

۲.۱.۳. سرمایه اجتماعی

سرمایه یک منبع کلی است که اجتماع افراد و گروه‌های اجتماعی و نهایتاً کل جامعه از آن استفاده می‌کنند تا هدف‌های خود را تحقق بخشند. یعنی ابزارهایی که فرد، گروه، نهاد، یا جامعه‌ای برای رسیدن به هدف‌هایش از آن‌ها استفاده می‌کند سرمایه نامیده می‌شود (موسوی، ۱۳۸۶: ۷۲). سرمایه اجتماعی در یک معنای عام نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که با بازده مورد انتظار تعریف می‌شود (توسلی و موسوی، ۱۳۸۲: ۶). اندیشمندان بر حسب دیدگاه‌های خود تعاریف مختلف (نه متناقض) از سرمایه اجتماعی به دست داده‌اند که فصل مشترک آن‌ها را در تعریفی می‌توان گنجاند: «سرمایه اجتماعی پتانسیل نهفته در روابط بین و میان افراد (و گروه‌های) یک جامعه است که باعث انجام امورات آن‌ها می‌شود.» (سعادت، ۱۳۸۶: ۱۷۷). اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده، دوستان، و همکاران دارای بسیاری مهمی را تشکیل می‌دهند که یک فرد می‌تواند در شرایط بحرانی از آن‌ها بهره‌گیرد یا برای منافع مادی استفاده کند و البته این مسئله برای گروه بیشتر صدق می‌کند (همان، ۱۳۸۲: ۶). از نظر پاتنام مهم‌ترین سودمندی هنجارهای اجتماعی مربوط به هنجار معامله‌به‌مثل است. او این هنجار را از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند. منظور از معامله‌به‌مثل جبران محبت و مهربانی دیگران است. گروه‌ها و جوامعی که این هنجار بر آن‌ها حاکم است و از آن پیروی می‌کنند به شکل مؤثری بر فرصت‌طلبی و مشکلات مربوط به عمل جمعی فائق می‌آیند (Making Democracy Work, 1993: 171-176).

جیمز کلن اولین محقق بود که به بررسی تجربی مفهوم سرمایه اجتماعی و عملیاتی کردن آن پرداخت. او در تحلیل و تبیین سرمایه اجتماعی به جای توجه به ماهیت و محتوای آن به کارکرد سرمایه اجتماعی توجه دارد. از نظر او سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات، شبکه اطلاع‌رسانی، هنجارها، و ضمانت‌های اجرایی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق می‌کنند یا مانع می‌شوند. بنابراین، برای سرمایه اجتماعی سه شکل را متصور می‌شود:

۱. تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابل اعتماد بودن محیط اجتماعی دارند؛
۲. ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی تا بتوان پایه‌ای برای کنش فراهم آورد؛
۳. وجود هنجارهایی که توأم با ضمانت اجرایی مؤثر باشند (جیمز، ۱۳۷۷: ۱۲۱).

پیر بوردیو از اولین جامعه‌شناسان و محققانی است که به تحلیل سیستماتیک ویژگی‌های سرمایه اجتماعی پرداخت. بر اساس تعریف بوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر عضویت در یک گروه است. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندهاست. در واقع پیوندهای شبکه‌ای باید از نوع خاصی، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد، باشند. از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه‌ای از روابط ودیعه‌ای طبیعی یا اجتماعی نیست، بلکه در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر او سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه، است که به دنبال تثبیت یا بازتولید آن‌گونه روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده‌اند (شارع‌پور و محمود، ۱۳۸۰: ۱۱).

بورديو به منظور تحليل سرمایه اجتماعی در ابتدا انواع مختلف ديگر سرمايه را که عبارت‌اند از سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، و سرمایه نمادین تشریح و سپس مطرح می‌کند که سرمایه اجتماعی عبارت است از شبکه‌ای از روابط فردی و جمعی که هر فرد یا جمعی در اختیار دارد. این تعریف باعث می‌شود اولاً فضاهای مفهومی سرمایه اجتماعی محدودتر شود و ثانیاً آن را از سایر انواع سرمایه‌ها به‌ویژه سرمایه‌های فرهنگی و نمادین جدا کند (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۲).

در آیه ۸۶ سوره نسا آمده است: «هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید یا (لااقل) به همان‌گونه پاسخ گویند. خداوند حساب همه چیز را دارد.» (نساء/ ۸۶). بر اساس این آیه مسلمانان موظف‌اند هر گونه نیکی و محبت از سوی دیگران را پاسخ گویند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۶: ۴۱ - ۴۶). بنابراین اسلام مروج هنجار معامله‌به‌مثل و بسیاری از ارزش‌های انسانی دیگر است که تأثیر زیادی بر روابط میان انسان‌ها دارد.

– اجرای اصول اسلامی بر سطوح سرمایه اجتماعی

الف) سطح خرد

در سطح خرد سرمایه اجتماعی در قالب روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس سرمایه اجتماعی موضوعاتی چون شدت و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه‌ها و احساس تعهد و اعتماد دوجانبه به هنجارها و ارزش‌های مشترک را شامل می‌شود و یک حس تعلق و پیوستگی اجتماعی به شمار می‌رود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۵۴).

سرمایه اجتماعی غیررسمی (درون‌گروهی): در اسلام سفارش زیادی بر خوش‌خلقی و روابط صمیمانه با اعضای خانواده و همین‌طور سایر افراد جامعه شده است. اسلام با واجب کردن احترام و نیکی به پدر و مادر و قرار دادن حقوق متقابل میان زن و شوهر و همین‌طور میان والدین و فرزندان در جهت تحکیم و بهبود روابط خانوادگی حرکت کرده است و با واجب کردن صلۀ رحم سعی در تقویت روابط میان خویشان دارد. در اسلام توصیه بسیاری در مورد محبت میان زن و شوهر و همین‌طور روابط صمیمانه میان والدین و فرزندان شده است؛ تا حدی که همه این روابط صمیمانه جزء عبادت‌ها برشمرده شده است که موجب کمال انسان می‌شود. همین‌طور در مورد کمک و حمایت از خویشان و آشنایان و همسایگان سفارش زیادی شده و حقوقی در مورد آن‌ها معین شده که در مجموع رعایت آن‌ها توسط افراد جامعه منجر به افزایش سرمایه اجتماعی غیررسمی آن جامعه می‌شود. در آیه ۳۶ سوره نسا آمده است: «خدا را بپرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و همسایه دور و دوست و همنشین و واماندگان در سفر و بردگانی که مالک آن‌ها هستید. زیرا خداوند کسی را که متکبر و فخر فروش است (و از ادای حقوق دیگران سر باز می‌زند) دوست نمی‌دارد».

سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته (میان‌گروهی): یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی در یک جامعه میزان روابط افراد با افراد ناآشنا و به عبارت دیگر اعتماد افراد به افرادی از گروه‌های دیگر است که از آن به سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته تعبیر می‌شود. دین اسلام ضمن منع از تکبر، خودخواهی، تبعیض، و تعصبات قومی همه مسلمانان را دعوت می‌کند تا با چنگ زدن به ریسمان الهی با هم متحد و یکپارچه شوند و نیز مسلمانان را برادر یک‌دیگر معرفی می‌کند و در قالب چهارچوب‌های اعتقادی و اخلاقی خود آن‌ها را طوری تربیت می‌کند که روابط دوستانه و توأم با محبت و احترام با برادران دینی خود داشته باشند و در همه ابعاد مادی و معنوی از یک‌دیگر حمایت کنند و در کارهای خوب و مفید با یک‌دیگر تعاون و همکاری داشته باشند. بنابراین تربیت مسلمانان در مکتب اسلام می‌تواند بالاترین سطح سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته را در جامعه اسلامی ایجاد کند.

ب) سطح میانی

در سطح میانی سرمایه اجتماعی هم جنبه‌هایی از ساخت اجتماعی را داراست هم کنش‌های خاص کنشگران را درون سیستم یا ساختار اجتماعی تسهیل می‌کند. این مفهوم ارتباطات افقی و عمودی را شامل می‌شود و سازمان‌ها و روابط بینابینی آن‌ها. اعم از باشگاه‌ها، انجمن‌ها، شرکت‌ها، احزاب، NGOها. در زمره آن قرار می‌گیرد. در واقع سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی و هنجارهای اجتماعی بین گروه‌هایی که کار مشارکتی می‌کنند وجود دارد (مسقطیان و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۴).

اسلام دین دوستی و تعاون و مسالمت است و این موضوع بر همه روابط میان انسان‌ها در کلیه سطوح تأثیرگذار است. در سطح میانی روابط عمودی و سلسله‌مراتبی در داخل یک سازمان یا گروه می‌تواند سطح پایینی از سرمایه اجتماعی را ایجاد کند. در آیه ۳۸ سوره شوری آمده است: «و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آن‌هاست و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند...». مسلمانان تحت تربیت اسلامی از خودخواهی و تکبر خودداری می‌کنند و امور مختلف خود را با مشورت و همکاری با هم انجام می‌دهند و روحیه تعاون و صمیمیت میان آن‌ها تأثیرهای مخرب روابط عمودی و سلسله‌مراتبی را در گروه‌ها و سازمان‌ها از بین می‌برد و باعث ایجاد همکاری و هماهنگی بیشتر میان گروه‌ها و سازمان‌های مختلف می‌شود و می‌تواند سرمایه اجتماعی زیادی را در سطح میانی ایجاد کند.

ج) سطح کلان

در سطح کلان سرمایه اجتماعی شامل روابط قراردادی و ساختاری نهادهای کلان مانند دولت و حکومت سیاسی و نظام‌های حقوقی و قضایی می‌شود. در این سطح روابط و ساختارهای رسمی، مانند قوانین و مقررات حاکمیت سیاسی و میزان مشارکت سیاسی و شکل‌گیری نهادهای سیاسی اجزای سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر در سطح کلان با سرمایه اجتماعی ساختاری سروکار دارد که اعتماد نهادی و اعتماد به حکومت و نیز اعتماد به نظام‌های تخصصی مؤلفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴).

در جامعه اسلامی نهادهای حکومتی در چهارچوب قوانین اسلامی تشکیل می‌شود و حاکمان با معیارهای اسلامی انتخاب می‌شوند و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. وجود این معیارها در حکومت اسلامی باعث افزایش اعتماد افراد به حکومت و نهادهای حکومتی می‌شود. همچنین، همان‌طور که در کتاب تفسیر نمونه در تفسیر آیه ۱۵۹ سوره آل عمران توضیح داده شده، در نظام سیاسی اسلام از یک سو حاکمان به مشورت و نظرخواهی از مردم و از سوی دیگر مردم به مشارکت در تصمیم‌گیری و اداره امور جامعه فراخوانده شده‌اند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۴۰ - ۱۵۰) و وجود چنین فضایی در جامعه اسلامی می‌تواند سرمایه اجتماعی را در سطح کلان افزایش دهد.

۲.۳. پیشینه

مقاله «سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در عصر پیامبر اسلام^(ص)» (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵) اگرچه دارای عنوانی مرتبط با این مقاله است، در محتوا کاملاً متفاوت است. مقاله یادشده یک مقاله اقتصادی است (البته نویسندگان محترم هم در اول مقاله به اقتصادی بودن آن اشاره کرده‌اند) و آوردن بحث سرمایه اجتماعی هم بدین جهت است که این سرمایه چگونه می‌تواند به اقتصاد و شکوفایی اقتصادی کمک کند. بنابراین در این مقاله سیره پیامبر مکرم اسلام^(ص) تنها در امور اقتصادی مانند شفافیت در امور مالی، حذف ربا، و ... مورد کنکاش قرار گرفته است. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی موضوع اصلی این مقاله نیست، بلکه اقتصاد و سرمایه اقتصادی مضمون اصلی آن است و سرمایه اجتماعی ذیل آن مورد اشاره قرار گرفته است.

در مقاله «دین و سرمایه اجتماعی» (فصیح‌پور، ۱۳۸۶) ارتباط میان دین به مثابه متغیر مستقل و سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. برای دست‌یابی به این هدف، پس از بحث و بررسی، به مفهوم «سرمایه اجتماعی» به عنوان یک مفهوم ترکیبی از منظر جامعه‌شناسان کلاسیک و صاحب‌نظران آن پرداخته شده، سپس به عناصر کیفی سرمایه اجتماعی مانند «اعتماد» و «آگاهی اجتماعی» و عناصر کمی آن مانند «میزان مشارکت» و «ارتباطات» اشاره شده است. در این مقاله نیز نهایت سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم کلی در کنار مفهوم دین مورد مقایسه و خوانش قرار گرفته است. اما اینکه چگونه این مفهوم یعنی سرمایه اجتماعی توسط دین در حوزه‌های مختلف افزایش می‌یابد یا مدیریت می‌شود دغدغه این مقاله نبوده است؛ بلکه بیشتر بررسی «ماهوی» مفهوم سرمایه اجتماعی مورد نظر نویسنده محترم بوده است.

در مقاله «روش حکومتی پیامبر^(ص) در مدیریت سرمایه اجتماعی» (جوکار، ۱۳۹۹) سعی شده روش و سیره پیامبر^(ص) در مدیریت سرمایه اجتماعی توضیح داده شود. اما در واقع مفاهیمی که از نظر نویسنده می‌تواند سرمایه اجتماعی را افزایش دهد مورد کنکاش واقع شده است و سپس سعی شده این مفاهیم به روش حکومتی پیامبر مکرم اسلام^(ص) نسبت داده شود و نتیجه

گرفته شود که نتیجه این موارد افزایش سرمایه اجتماعی بوده است؛ درحالی که به طور مستقیم به خود روش پیامبر^(ص) اشاره نشده که این روش و شیوه‌ها چگونه مدیریت‌کننده سرمایه اجتماعی هستند. علاوه بر این فقط به دو یا سه مورد محدود پرداخته شده و کل سیره و روش پیامبر^(ص) مورد بازخوانی و تحلیل قرار نگرفته تا بر اساس آن بتوان گفت که روش پیامبر مکرم^(ص) در مدیریت سرمایه اجتماعی این گونه بوده است.

اما در مقاله حاضر خود سیره اجتماعی به عنوان موضوع اصلی مورد توجه قرار گرفته و بدون وام گرفتن از مفاهیم دیگر و ضمنی تک‌تک آسیب‌های سخت و نرم اجتماعی جامعه نوپای صدر اسلام (و نه دو یا سه مورد محدود و غیر مرتبط) مورد احصا قرار گرفته و آن‌گاه بر اساس آن شیوه مدیریت پیامبر^(ص) در برخورد با این آسیب‌ها و اینکه پیامبر چگونه این آسیب‌های اجتماعی را مدیریت کردند تا سرمایه اجتماعی حفظ شود و حتی افزایش یابد مورد کنکاش و تحلیل قرار گرفته است. سپس، مجدد، این تدابیر پیامبر^(ص) مورد بازخوانی قرار گرفته و در یک تقسیم‌بندی تحلیلی به دو قسمت تدابیر کلی و اختصاصی تقسیم شده است و در نهایت با تفسیر این تدابیر به الگوی مدیریت پیامبر^(ص) جهت حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی جامعه نوپای صدر اسلام در مواجهه با آسیب‌های سخت و نرم اجتماعی رسیده است.

نوآوری این مقاله در بازخوانی سیره پیامبر مکرم اسلام^(ص) از نگاهی نو و در چهارچوبی جدید است؛ به این شکل که با انتخاب چهارچوب نظری و پیشینه پژوهش به‌کاررفته در مفهوم «سرمایه اجتماعی» و گزینش چهارچوب و تعریف مختار از این مفهوم سعی شده سیره پیامبر^(ص) در این چهارچوب با توجه به مؤلفه‌ها، شاخص‌ها، ابعاد، و سطوح مفهوم سرمایه اجتماعی در بازه زمانی حکومت ایشان مورد تحلیل قرار گیرد و چگونگی ارتباط میان یک مسئله تاریخی و یک مفهوم جدید در لایه‌های مختلف مورد کنکاش و بررسی واقع شود.

بنابراین مشخص است که این مقاله با پیشینه‌های قبلی تفاوت جدی دارد و البته در حوزه دانشی خود نیز نوشتاری بکر می‌تواند باشد که با تم و مضمونی اجتماعی (و نه اقتصادی یا سیاسی یا ... مانند پیشینه‌های قبلی) به این مسئله مهم پرداخته است.

۳.۳. روش تحقیق

در این تحقیق ابتدا سرمایه اجتماعی از جنبه‌ها مختلف مورد دقت و واکاوی قرار گرفت و سپس ضمن انتخاب تعریف مختار به سطوح این نوع سرمایه پرداخته شد. آن‌گاه ارتباط آن با اصول اسلامی مورد خوانش قرار گرفت و بعد از رسیدن به یک چهارچوب به بررسی سیره پیامبر مکرم اسلام^(ص) در ارتباط با سرمایه اجتماعی و تولید و حفظ آن در جامعه نوپای مسلمانان پرداخته شد و در نهایت الگوی این مدیریت احصا و ارائه شد.

روش طی شده جهت رسیدن به داده‌های مورد نظر، به منظور طراحی الگو، روش توصیفی-تحلیلی است که رویکرد آن تفسیری است؛ به این شکل که سیره عملی و شیوه مدیریت حضرت پیامبر^(ص) مورد تحلیل و بازخوانی قرار گرفت تا از این خوانش تحلیلی الگوی مورد نظر احصا شود.

۳.۴. عرصه تحقیق

دامنه و عرصه مورد کنکاش در این تحقیق کل ۲۳ سال زمان بعثت پیامبر^(ص) و شیوه مدیریت ایشان در این بازه زمانی در مواجهه با اتفاقات مختلف و حوادث گوناگون داخلی و خارجی است.

۳.۵. روایی و اعتبار

اعتبار و روایی این الگو از شکل و شیوه مواجهه‌سازی «قیاسات‌ها معها» است؛ بدین توضیح که در قضایای تحلیلی، مانند «شوهر همسر است»، استدلال و دلیل صحت آن مفاد این قضیه است، بدین شکل که اگر واژه شوهر تحلیل شود از دل آن همسر بودن استخراج می‌شود و نیاز به دلیل خارجی نیست. اصطلاحاً بدین شکل از استدلال‌ها و قیاس‌چینی‌های برهانی «قیاسات‌ها معها» گفته می‌شود؛ یعنی قیاس و استدلال این گزاره به همراه آن و از دل خود آن است و نیاز به یک دلیل و مواجهه‌ساز خارجی ندارد. روایی و اعتبار الگوی استخراج‌شده این مقاله نیز از این نوع است؛ بدین صورت که روش تحقیق که در واقع قیاس و استدلال این

پژوهش است در دل خود این پژوهش است و این شیوه استدلال می‌کند که این الگو آیا اعتبار دارد یا خیر و اگر دارد در چه حیطه و دامنه‌ای. پس، در این مقاله سعی شده است با تمرکز بر روش تحقیق و شرح و توضیح آن نشان داده شود که چگونه این الگوی استخراجی و احصاشده روا و معتبر است.

۴. یافته‌های تحقیق

در تحلیل انکشافی نحوه مدیریت پیامبر^(ص) در افزایش سرمایه اجتماعی به دو دسته تدابیر بر می‌خوریم. تدابیری که کلی و مربوط به عموم آسیب‌های موجود و احتمالی است و تدابیری که مربوط به آسیب اجتماعی خاصی است که یا از نوع سخت است یا از نوع نرم. در ذیل در دو بخش جداگانه به هر دو نوع تدابیر پرداخته می‌شود.

۴.۱. تدابیر کلی

۴.۱.۱. تکیه بر وحدت و همبستگی طوایف مسلمان

یکی از اهداف دین، از منظر قرآن کریم، رفع اختلاف و ایجاد همبستگی اجتماعی است. امام علی^(ع) در نهج‌البلاغه (خطبه ۳۹: ۳۸) میان دین و همبستگی اجتماعی پیوند ناگسستنی برقرار و انسجام اجتماعی را اصلی‌ترین کارکرد دین معرفی می‌کند. در عصر حاکمیت نظام قبیله‌ای و طایفه‌ای، هر طایفه طبق آداب و قوانین حاکم بر قبیله خود حکومت می‌کرد. بر این اساس گاه دو قبیله بر سر یک مسئله کوچک سالیان دراز با هم می‌جنگیدند. بنابراین نخستین تدبیر رسول خدا^(ص) در مدینه اتحاد و ایجاد همبستگی بین قبایل و تشویق به همکاری و همبازی و تعاون در نظام سیاسی کشور بود. بین دو قبیله اوس و خزرج و مسلمانان مهاجر و انصار عقد اخوت و برادری بست و آنان را بر محور تبعیت از خدا و ولایت پیامبر^(ص) و رعایت حقوق برادری متحد ساخت؛ «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم.» (نساء / ۱۱). ابرهای پراکنده نمی‌بارند وقتی ریزش باران را نوید می‌دهند که به هم پیوندند.

۴.۱.۲. تقویت روحیه جهادی و ولایت‌محوری

جهاد در عرصه نظامی به عنوان یکی از اصول فقه اسلامی باعث ارتقای سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی رشد و پیشرفت جامعه می‌شود. همچنین جهاد در روابط به شدت در هم تنیده درجات بسیار گسترده‌ای از انسجام، همبستگی، تعهد، و همدلی را شکل می‌دهد که عناوین مهمی در تحقق سرمایه اجتماعی هستند (بدرالدین، ۱۴۰۱: ۲). رسول خدا^(ص) فرهنگ بسیجی و روحیه جهادی را میان مسلمانان گسترش داد. یاران آن حضرت بدون اجازه پیامبر اقدامی نمی‌کردند. با همگرایی ریشه بدبینی‌ها را در جبهه خود خشکانده و با شعار شهادت یا پیروزی- «احدی الحسنین.» (توبه / ۵۲)- در مقابل دشمنان کینه‌توز مقتدرانه ایستاده بودند. پیامبر^(ص) با ترویج این روحیه سبب شدند اختلافات بی‌مایه کنار رود و همه به یک هدف والاتر، که پیروی از ولایت به همراه روحیه جهادی بود، متوجه شوند.

۴.۱.۳. دشمن‌شناسی

دشمن‌شناسی، شناخت هدف، تشخیص مسیر، و شناسایی کارکرد دشمن از راهبردهای کاربردی افزایش سرمایه اجتماعی است تا بر این اساس استراتژی تقابلی به‌هنگام با دشمن همراه با تفکر و راهکارهای نظری و عملی تقابل تدوین و اجرایی شود. از تدابیر رسول گرامی^(ص) شناخت دشمنان کینه‌توز و شناساندن ماهیت و رفتار آنان به جامعه بود. حدود هزار آیه قرآن درباره دشمن‌شناسی وجود دارد که ماهیت، رفتار، صفات، توطئه، و عملکرد مشرکان، کافران، یهودیان، مسیحی‌ها، منافقان، مفسدان، و متجاوزان را بیان می‌کند. این شناخت از دشمن موجب می‌شد مسلمانان با بصیرت سیاسی به مصاف دشمن بشتابند.

۴.۱.۴. سازمان اطلاعاتی مردمی

یکی از عواملی که بر وضعیت سرمایه اجتماعی اثر می‌گذارد و به حفظ آن کمک می‌کند داشتن شبکه اطلاعاتی قوی در جهت رصد و تحلیل شرایط جامعه است. در همین زمینه پیامبر خدا^(ص) سازمان اطلاعاتی قوی پی‌ریزی کردند که عناصر آن را مردم

تشکیل می‌دادند. البته وحی الهی نیز در این مسئله دخیل بود. حضور عباس، عموی پیامبر^(ص)، در میان مشرکان و رساندن اطلاعات به‌موقع قریش به پیامبر^(ص) و وجود عناصر اطلاعاتی همچون حذیفه و اطلاعاتی که توسط مردم به رسول خدا^(ص) می‌رسید این سازمان را نیرومند ساخته بود.

پیامبر^(ص) به کسب اطلاعات اهمیت فراوانی می‌دادند و نیمی از پیروزی‌های ایشان معلول آگاهی از اوضاع دشمنان و فتنه‌جویان بود. به همین دلیل بسیاری از اعمال شیطانی و تحریک‌های ضد انسانی را در نطفه خفه می‌کردند (سبحانی، ۱۳۸۳: ۸۶).

۴.۱.۵. گسترش کار فرهنگی

یکی از راهکارهای از بین بردن سرمایه‌های اجتماعی جنگ نرم و گسترش شبهات و تغییر در عقاید مردم است. به همین جهت اطلاع‌رسانی به‌موقع به جامعه و پاسخگویی به شبهات و شبهه‌افکنی‌ها و شایعات از تدابیری بود که پیامبر اسلام^(ص) بسیار به آن اهتمام می‌ورزیدند و بدین وسیله جلوی بسیاری از شایعات را می‌گرفتند و به التهاب جامعه پایان می‌بخشیدند. قرآن دستور می‌دهد هر خبر و شایعه‌ای را ابتدا به پیامبر خدا^(ص) گزارش دهید تا او حقیقت را برای شما روشن سازد (نساء/۸۳). دشمنان از حربه شایعات بسیار بهره می‌برند. بر این اساس قرآن منافقان و شایعه‌سازان (مرجفون) را تهدید می‌کند که اگر دست از این عمل برندارند، آنان را از مدینه تبعید می‌کنند (احزاب/۶۰).

۴.۱.۶. حسن خلق محمدی^(ص) و نشر آن

قرآن پیامبر^(ص) را دارای خلق عظیم می‌داند و همان را علت گرایش مردم به وی برمی‌شمرد (قلم/۴۰؛ آل عمران/۱۵۹). ایثار و گذشت و تعاون و چشم‌پوشی از خطاهای مردم و همچنین سفارش دیگران به رعایت این مسائل از تدابیر حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی به شمار می‌رفت. در واقع حسن خلق پیامبر^(ص) باعث ایجاد اعتماد عمومی می‌شود و اعتماد هم مؤلفه و نتیجه سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به وسیله اعتماد شناخته می‌شود و رابطه‌ای دوسویه با آن دارد (نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۸).

۴.۱.۷. نظارت بر گفتار و رفتار کارگزاران و مسئولان

برای حفظ سرمایه‌های اجتماعی در یک جامعه یکی از اصلی‌ترین کارهایی که باید صورت گیرد نظارت دقیق بر اعمال و گفتار مسئولان و کارگزاران است تا با اقدامات ناشایست سرمایه‌های اجتماعی و انجسام جامعه را از بین نبرند. از تدابیر آن حضرت کنترل سخنان و رفتار اصحاب بود تا برخلاف اصول حاکم سخنی چالش‌برانگیز نگویند. مثلاً، در فتح مکه (پایگاه مشرکان) وقتی سعد بن عباده، فرمانده خزرجیان، هنگام ورود به شهر شعار داد: «امروز روز نبرد و انتقام است. امروز جان و مال شما (اهل مکه) حلال شمرده می‌شود (الیوم یوم الملحمة)». پیامبر^(ص) جلوی او را گرفتند و فرمودند: «امروز روز رحمت و مرحمت است (الیوم یوم المرحمة)». و او را از فرماندهی عزل کردند و پرچم را از وی گرفتند و فرزندش را منصوب به فرماندهی کردند (سبحانی، ۱۳۸۳: ۸۱۴). و هنگامی که وی در مأموریت خودخبر دروغی را از طرف طایفه بنی‌مصطلق آورد، آیه قرآن نازل شد و او را فاسق معرفی کرد (حجرات/۶) و پیامبر^(ص) او را طرد کردند.

۴.۱.۸. برچیدن بساط و پایگاه فرقه‌ها و جریان‌های باطل و احزاب منحرف

از شیوه‌های دشمنان در نابودی سرمایه‌های اجتماعی یک جامعه پدید آوردن فرقه‌ها و احزاب در جهت افتراق و تکه‌تکه کردن جامعه است. آنان به واسطه فرقه‌ها و گروه‌ها و احزاب اتحاد و همبستگی امت‌ها را از هم می‌پاشند و امنیت را از جامعه سلب می‌کنند. چون هر حزب و گروهی در پی منافع خود است («کل حزب بما لدیهم فرحون» (روم/۳۲)). پیامبر خدا^(ص)، برای مقابله با این شیوه ضد امنیتی دشمنان، بساط گروه‌ها و احزاب منحرف وابسته به مستکبران را جمع کردند. تخریب مسجد ضرار به عنوان پایگاه منافقان در این زمینه صورت گرفت.

۹.۱.۴. مذاکره با دشمنان و امضای پیمان صلح

از تدابیر پیامبر^(ص) مذاکره برای مقابله با دشمنانی بود که سعی در نابودی سرمایه‌های اجتماعی حکومت رسول الله^(ص) داشتند. آن حضرت به کرات با دشمنان سرسخت خود مذاکره و گفت‌وگو می‌کردند تا شاید از این طریق آنان را از شرارت بازدارد و با برخی پیمان صلح و عدم تعرض امضا می‌کردند.

روایتی از امام حسن عسکری^(ع) وجود دارد که فرمود: «به پدرم گفتم: آیا رسول خدا^(ص) با یهودیان و مشرکان که با او دشمنی و جداله می‌کردند گفت‌وگو و مناظره داشت؟ پدرم فرمود: آری، بسیار با آنان مناظره می‌کرد.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). آن حضرت هنگام ورود به مدینه با طوائف یهود مدینه و با قبایل عرب و با مشرکان پیمان عدم تعرض و صلح امضا کردند. این پیمان‌ها به امنیت نظام دینی کمک شایانی می‌کرد.

۱۰.۱.۴. تقویت قدرت دفاعی

رسول خدا^(ص) با عنایت به آیه شریفه «واعدوا لهم ما استطعتم من قوّة و من رباة الخیل.» (انفال / ۶۰) به تقویت قدرت دفاعی پرداختند. مثلاً یک پنجم اموال بنی‌قریظه را جهت خرید سلاح و ابزار دفاعی هزینه کردند (← سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۵۱). ارتقای قدرت دفاعی بیشتر جنبه اربابی و پیشگیری داشت (← مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۶: ۱۰۶) تا بدین وسیله جامعه نوپای صدر اسلام آرامش داشته باشد و با این آرامش سرمایه اجتماعی حفظ شود و افزایش یابد.

۱۱.۱.۴. مانورهای رزمی

پیامبر^(ص) از سال نخست تا نهم هجری مجموعاً ۴۸ مانور (که سرّیه نام داشت) انجام دادند که گاه تعداد سپاهیان به ۵۰۰ تن نیز می‌رسید و چندین هدف را تعقیب می‌کردند؛ مانند شناخت محیط جغرافیایی مدینه، آشنایی با قبایل منطقه، زیر نظر گرفتن تحرکات دشمنان، ناامن کردن راه‌های تجاری قریش، مقابله با اشرار، ... مهم‌تر از همه مانورهای نظامی و رزمی بود. پیامبر اکرم^(ص) با اعزام این گروه‌های رزمی به نوعی مانور رزمی اقدام کرده بودند تا به دشمنان و قریش هشدار دهند که مسلمانان نیرومندند و می‌توانند در برابر تهدیدات و تجاوز دشمنان خویش بایستند و از دین و آرمان‌های خود دفاع کنند و اجازه نابودی سرمایه اجتماعی حکومت اسلامی را به هیچ احدی نمی‌دهند.

۱۲.۱.۴. اقدام به تبلیغات گسترده فرامرزی

پیامبر خدا^(ص) برای تبلیغ اسلام و جذب قبایل مبلغان دینی اعزام می‌کردند؛ هرچند مبلغان با خطر مواجه می‌شدند. چون هر چه اقوام و قبایل به اسلام می‌گرویدند امنیت نظام اسلامی بیشتر می‌شد و کمتر مورد تهدید قرار می‌گرفت و همچنین سرمایه‌های اجتماعی پیامبر هم افزایش می‌یافت. از طرفی نامه‌هایی به امپراتور ایران و روم و حکومت‌های سایر کشورها فرستادند که با استقبال برخی حکومت‌ها روبه‌رو شد و این خود بر امنیت مرزهای مدینه و حکومت اسلامی و به تبع افزایش سرمایه اجتماعی می‌افزود (← سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۹۰).

۲.۴. تدابیر اختصاصی

در کنار تدابیر کلی که رسول الله برای مقابله با جنگ نرم دشمن انجام دادند تا سرمایه اجتماعی را حفظ کنند، در تاریخ اسلام شاهد جنگ‌ها و نبردهایی سخت هستیم که انسجام جامعه را به خطر می‌انداخت و باعث کاهش سرمایه‌های اجتماعی می‌شد. در چنین شرایطی پیامبر^(ص) در مقابله با هر جبهه دشمن راهکارهایی داشتند که باعث می‌شد آسیب‌های حملات دشمن به حداقل برسد و سرمایه‌های اجتماعی جامعه حفظ شود. در ادامه هر جبهه به تفکیک بررسی و راهبردهای اختصاصی پیامبر^(ص) نسبت به آن بیان می‌شود.

۴.۲.۱. جبهه مشرکان قریش

مشرکان قریش که جایگاهشان در مکه بود از آغاز رسالت پیامبر^(ص) تا فتح مکه در سال هشتم هجری قریب به بیست و یک سال با پیامبر اعظم^(ص) و اسلام در ستیز بودند. آنان به مدت سیزده سال دوران مکی به جنگ نرم و انواع تبلیغات زهرآگین و شکنجه و آزار مسلمانان و تحقیر و تکذیب پیامبر^(ص) و محاصره اقتصادی دست زدند (← آل عمران/ ۱۸۶) و در نهایت نقشه قتل پیامبر^(ص) را کشیدند که به هجرت رسول خدا^(ص) و مسلمانان از زادگاه خویش انجامید.

مشرکان که در سیزده سال جنگ نرم در مکه به اهداف خود دست نیافتند به جنگ سخت روی آوردند با این هدف که حکومت اسلامی را سرنگون سازند و کفر و بت پرستی و فرهنگ جاهلیت را حیاتی دوباره بخشند. هدف و تلاش مشرکان در این آیه به خوبی بیان شده است: «اگر آنان (دشمنان) بر شما مسلط شوند، همچنان دشمن شما خواهند بود و دست (جنگ سخت) و زبان (جنگ نرم) خود را به بدی کردن نسبت به شما می‌گشایند و دوست دارند شما به کفر بازگردید.» (ممتحنه/ ۲).

– تدابیر پیامبر^(ص) جهت حفظ و افزایش سرمایه‌های اجتماعی در مقابله با مشرکان قریش

رسول گرامی^(ص) برای مقابله با مشرکان قریش جهت حفظ امنیت مدینه و دفاع از سرمایه‌های اجتماعی تدابیری اندیشیدند که سرانجام ایشان را بر جبهه مشرکان و طاغوت‌های مکه و جاهلیت اولی در یک مصاف نامتقارن پیروز گرداند و آن حضرت با وجود توان و قدرت و سازوبرگ برتر نظامی و تبلیغاتی قریش پرچم اسلام را بر فراز پایگاه مشرکان به اهتزاز درآوردند و اعلام کردند با پیروزی اسلام همه عقاید و سنت‌های جاهلی زیر پای من قرار گرفت (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ح ۴۰). البته یادآوری این نکته لازم است که پیامبر^(ص) امنیت را به هر قیمتی نمی‌خواست. امنیتی را خواستار بود که مطابق با اصول و حیانی و عزت و کرامت مسلمانان باشد.

الف) اهتمام ورزیدن به سازمان اطلاعاتی و جمع‌آوری اخبار قریش

پیامبر^(ص) قریش را خوب می‌شناخت و می‌دانست که سران کینه‌ورز قریش، مانند ابوسفیان و ابوجهل، دست از انتقام و شرارت برنمی‌دارند. از این رو لازم بود تحرکات و فعل و انفعالات دشمن را زیر نظر بگیرد و با دانستن اخبار و اطلاعات به مصاف این جبهه برود. یکی از این تدابیر اعزام سرایا به منطقه بود. مهم‌ترین مأموریت سرایا (دسته‌های اعزامی به منطقه) جمع‌آوری اخبار از تحرکات مشرکان بود. مثلاً، پیامبر^(ص) در نامه‌ای که به عبدالله بن حجاج، فرمانده گروه سی‌نفری، هنگام اعزام به او دادند نوشته بودند: «در سرزمین نخله که میان مکه و طایف است فرود آی و در آنجا در انتظار قریش بنشین و از وضعیت و تحرکات آن‌ها ما را مطلع ساز.» (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ۴۶۷).

ب) ناامن کردن راه‌های تجاری مشرکان مکه

تجارت برای مردم مکه و قریش امری حیاتی بود. کالاهایی که به طایف و شام حمل و نقل می‌شد پایه‌های اقتصاد زندگی آنان را تشکیل می‌داد و اگر این راه‌های تجاری به خطر می‌افتاد و ناامن می‌شد شیرازه زندگی قریش به هم می‌ریخت. با توجه به این نقطه ضعف مشرکان مکه، رسول خدا^(ص) با اعزام سرایا تلاش در ناامن کردن این راه‌های تجاری، که برخی از قلمرو مدینه می‌گذشت، داشتند. آن حضرت با این عمل می‌خواستند به طاغوت‌های مکه اخطار دهند که از تجاوز به حقوق و اذیت و آزار مسلمانان در مکه دست بردارند و مانع تبلیغ اسلام و آیین یکتاپرستی نشوند.

ج) اقدام به انعقاد قرارداد با طوایف

از تدابیری که پیامبر^(ص) به کار گرفت بستن قرارداد عدم تعرض و زندگی مسالمت‌آمیز با طوایف عرب منطقه بود. انعقاد این پیمان‌ها از طرفی موجب تضعیف قدرت سیاسی و نظامی جبهه قریش در منطقه می‌شد، چون دیگر آنان قادر به جذب و همراه‌سازی این قبایل نمی‌شدند، و از سویی مانع تعرض قبایل به مدینه می‌شد و مدینه از ناحیه آنان در امان می‌ماند. دیگر آنکه بر قدرت و عزت روزافزون مسلمانان می‌افزود.

د) دفاع در مقابل تهاجم مشرکان

سران مستکبر و جنگ‌افروز قریش در مدت هشت سال بارها به قلمرو حکومت اسلامی تجاوز کردند؛ مانند جنگ بدر، احد، حمر، الاسد، احزاب. پیامبر (ص) در آن دوران مکی مأمور به صبر و تحمل اذیت و شکنجه‌ها و بداخلاقی مشرکان و مدارا و مماشات و موعظه و جدال احسن بود (← مزمل / ۱۰). پس از هجرت به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، نخستین آیه جهاد و در پی آن قریب به ۳۵۰ آیه درباره جهاد نازل شد و به مسلمانان اجازه جهاد و دفاع در مقابل تجاوزات دشمنان داده شد. نخستین آیه مجوز جهاد فرمود: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمٍ ظَلَمُوا.» (حج / ۳۹)؛ به کسانی که مورد ستم واقع شده و جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «پیامبر (ص) مأذون به جهاد نبود تا اینکه آیه مذکور نازل شد و جبرئیل خود شمشیر آن حضرت را بست.» (حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲). در تاریخ بالغ بر هشتاد غزوه و سربیه نقل شده است (← مسعودی، ۱۳۹۶: ۸۱؛ مغازی و قادی، ۱۳۶۹: ۲۸۰).

۲.۲.۴. جبهه یهود

یهودیان با کوچ از سرزمین شام و فلسطین به سرزمین پهناور حجاز بخشی از آن را به خود اختصاص دادند. سه طایفه بنی‌قینقاع و بنی‌النضیر و بنی‌قریظه در مدینه و عده‌ای در خیبر ساکن بودند. یهودیان به لحاظ آنکه اهل کتاب بودند و افراد باسواد میانشان کم نبود بر اعراب برتری فرهنگی یافته بودند. از نظر اقتصادی نیز وضعیتشان بهتر بود (← طباره، ۱۳۷۶: ۱۴ - ۱۵). اما به خاطر نژادپرستی و به بهانه‌های واهی از پذیرش اسلام سر باز زدند و بنای مخالفت گذاشتند (← نساء / ۱۵۳؛ آل عمران / ۱۸۳). زیرا اسلام را با منافع دنیوی و اهداف سلطه‌طلبانه خود در تضاد می‌دیدند. یهودیان نه تنها اسلام را نپذیرفتند، بلکه به دشمنانی کینه‌توز تبدیل شدند که از هیچ توطئه و خیانت و جنایتی علیه پیامبر و مسلمانان دریغ نمی‌ورزیدند. این اقدامات باعث می‌شد سرمایه‌های اجتماعی حکومت نوپای اسلام به خطر بیفتد. با اینکه رسول خدا (ص) با امضای قراردادی آنان را در عقایدشان آزاد گذاشته و زمینه بهره‌مندی از حقوق و زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار مسلمانان برایشان فراهم ساخته بود و به مسلمانان نیز سفارش کرده بود در پیمان خود با یهودیان وفادار بمانند (← ابن‌هشام، ۱۳۵۵ ق: ۱۴۷ - ۱۵۰)، آنان پیمان را شکستند و برای از میان بردن پیامبر خدا و دین اسلام نقشه‌ها کشیدند. یهودیان با خوی نژادپرستی و دنیادوستی برای خود ارزشی بالاتر از دیگران قائل بودند.

— اقدامات یهودیان جهت نابودی سرمایه‌های اجتماعی اسلام

- جاسوسی
- القای شک و تردید
- اختلاف‌انگیزی
- تبلیغات زهرآگین علیه اسلام و کتمان حق
- پایبند نبودن به قراردادهای پیمان‌ها
- توطئه نظامی

— تدابیر پیامبر (ص) جهت حفظ و افزایش سرمایه‌های اجتماعی در مقابله با یهودیان

الف) امضای پیمان زندگی مسالمت‌آمیز با یهودیان یترب

رسول خدا (ص) خوب می‌دانستند که یهودیان مدینه که اقتصاد و تجارت آن سامان را قبضه کرده بودند برای امنیت مدینه مشکل‌ساز خواهند بود و اگر پایگاه اسلام از جانب یهود در امن و امان نباشد مبارزه با بت‌پرستان و مشرکان قریش بسی مشکل خواهد شد. بنابراین در آغاز ورود به مدینه با طوایف یهود و مدینه قراردادی را امضا کردند که یهودیان متعهد شدند با مسلمانان متحد شوند و در دفاع از مدینه بکوشند و با آزادی در آیین خود زندگی مسالمت‌آمیزی در کنار مسلمانان داشته باشند. سه طایفه بنی‌قینقاع و بنی‌نضیر و بنی‌قریظه متعهد می‌شوند که هرگز بر ضرر پیامبر و یاران وی قدمی برندارند و با زبان و دست ضرری به

او نرساند و اسلحه و مرکب در اختیار دشمنانش نگذارند و هرگاه برخلاف متن این قرارداد رفتار کنند پیامبر^(ص) در ریختن خون آن‌ها و ضبط اموال و اسیر کردن زنان و فرزندان آن‌ها دستش باز خواهد بود (← سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ۴۴۹ - ۴۵۴). این قرارداد در آغاز تشکیل حکومت اسلامی کمک شایانی به حفظ انسجام اجتماعی و به تبع سرمایه اجتماعی ساکنان مدینه کرد.

ب) افشاگری ماهیت یهود

آیات فراوانی وجود دارد که ماهیت و هویت و عملکرد یهودیان را بیان می‌کند و آنان را به مسلمانان می‌شناساند؛ مانند غیرقابل اعتماد بودن، پیمان شکنی، تحریف حقایق، خیانت و حيله‌گری، نژادپرستی، برتری طلبی، گستاخی و اهانت به پیامبر خود، حضرت موسی^(ع)، و ... (← مائده/ ۱۳ و ۱۸ و ۲۴). بیان حقایق موجب می‌شد مسلمانان نسبت به یهودیان بدبین باشند و کارها و تحرکات آنان را زیر نظر داشته باشند.

ج) مقابله با جنگ نرم و تبلیغات یهود

یهودیان علیه اسلام تبلیغات فراوانی داشتند؛ از جمله نماز گزاردن مسلمانان به سمت بیت المقدس را دلیل بر حقانیت دین یهود معرفی می‌کردند و مسلمانان را در اسلام به تردید می‌انداختند. پیامبر^(ص) برای مقابله با آن از خداوند درخواست تغییر قبله کردند تا اینکه آیات ۴ تا ۱۴۲ بقره نازل شد و قبله مسلمانان را کعبه اعلان کرد.

د) برچیدن پایگاه‌های یهود

پیامبر خدا^(ص) نمی‌توانستند خیانت‌ها، کارشکنی‌ها، توطئه‌ها، و شرارت‌های یهود را در ناامن ساختن پایگاه نظام اسلامی بیش از این نادیده بگیرند. بنابراین ضروری می‌دانستند جامعه مدینه و جزیره‌العرب را از این عناصر فاسد پاک سازند و کانون‌های فتنه را برچینند. جنگ با یهودیان به معنای دشمنی اسلام با یهود نبود، برخلاف آنچه برخی از دشمنان اسلام تبلیغ کرده‌اند؛ بلکه جنگ با عوامل فساد و جنایت و خیانت کار بود که آرامش و آسایش جامعه را بر هم می‌زدند و برای هیچ کس و هیچ قانون و آیینی ارزش و احترامی قائل نبودند. امروز غده سرطانی صهیونیسم با همان ویژگی‌ها در خاورمیانه وجود دارد و برای مقابله با اسلام و مسلمانان از هیچ جنایتی دریغ نمی‌ورزد.

۴.۲.۳. جبهه اعراب بت پرست

قبایل عرب که به صورت پراکنده در جزیره‌العرب زندگی می‌کردند و با مسلمانان دشمنی می‌ورزیدند، علاوه بر همکاری با یهود و قریش در جنگ‌های متجاوزانه، جبهه‌ای علیه پیامبر^(ص) گشوده بودند. به کسانی که به اسلام گرویده بودند یورش می‌بردند و آنان را می‌کشتند و اموالشان را به غارت می‌بردند و گروه مبلغان اسلام را به شهادت می‌رساندند؛ مانند جنایتی که قبایل عضل و قاره مرتکب شدند و با به شهادت رساندن مبلغان دینی فاجعه رجیع و بئر معونه را پدید آوردند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۷۸ - ۵۸۱). نیز توطئه حمله به مدینه را در سر می‌پروراندند.

— تدابیر پیامبر^(ص) جهت حفظ و افزایش سرمایه‌های اجتماعی در مقابله با اعراب بت پرست

اخبار توطئه‌ها و شرارت‌ها و تجمعات این قبایل خیلی سریع به پیامبر^(ص) می‌رسید و قبل از هر تحرک و واکنشی توطئه‌هایشان در نطفه خفه می‌شد. مثلاً در غزوه‌های بنی کدر، بنی سویق، ذی‌امر، و ... به پیامبر^(ص) خبر رسید که این قبایل در حال جمع‌آوری سلاح و سرباز هستند. رسول خدا^(ص) بی‌درنگ و برق‌آسا منطقه را محاصره و نقشه‌های آنان را قبل از هر تحرکی خنثی کردند. در غزوه بنی‌مصطلق ده نفر از دشمن کشته شدند و با بر جای گذاشتن غنایم فراوان پا به فرار گذاشتند (← طبری: ۲۶۰). در غزوه ذات‌السلاسل که اعراب قصد حمله به مدینه را داشتند سحرگاهان منطقه تجمع آنان به محاصره رزمندگان اسلام به فرماندهی امیر مؤمنان^(ع) درآمد که با دادن تلفات و چند اسیر فرار کردند و غنایم بسیاری را بر جای گذاشتند. سوره عادیات در این واقعه نازل شد (← طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۱۰: ۵۲۸). آخرین سنگر جبهه اعراب قبایل ثقیف و هوازن در منطقه حنین و طایف بود. در غزوه حنین مغلوب لشکر دوازده‌هزار نفری اسلام شدند و سرانجام مشکلات این جبهه پایان یافت و رسول خدا^(ص) برای همیشه

از جانب اعراب بت پرست آسوده خاطر شدند و این آسیب سخت که می توانست به طور جدی سرمایه اجتماعی جامعه نوپا و تازه مسلمان را به خطر بیندازد با این تدابیر خنثی شد.

۴.۲.۴. جبهه روم

شبه جزیره عربستان چون نگینی در محاصره دو امپراطوری ایران و روم بود. هر دو امپراطوری منافع و مستعمراتی در این سرزمین داشتند. روم به دلیل پیروزی هایی که بر امپراطوری ایران داشت (روم/ ۱) بسیار احساس غرور می کرد و می کوشید تا با حفظ این غرور بر قلمرو و نفوذ مسیحیت در شبه جزیره عربستان بیفزاید. افزون بر این، پیروزی های اسلام در جزیره العرب موجب هراس دولت روم شده بود. از این رو، می خواست تا با در هم کوبیدن مواضع مسلمانان هر گونه خطر احتمالی را از خود دور کند. پیامبر خدا^(ص)، که از جبهه امپراطور روم احساس خطر می کرد، قبل از آنکه رومی ها به مدینه لشکرکشی کنند، نبرد را به مرزها کشاند و قدرت اسلام را در مرزها به رخ رومیان کشاند. نبرد موته و غزوه تبوک و جیش اسامه در این زمینه انجام گرفت و سرانجام پیروزی لشکر اسلام و عقب نشینی لشکر روم را در پی داشت.

– تدابیر پیامبر^(ص) جهت حفظ و افزایش سرمایه های اجتماعی در مقابله با رومیان

الف) غزوه موته

نخستین برخورد مسلحانه مسلمانان با سپاه روم در سال هشتم هجری رخ داد. پس از کشته شدن سفیر پیامبر^(ص) به دست حاکم موته در مرز شام (مغازی واقدی، ۱۳۶۹ ج ۲: ۷۵۵)، شانزده مبلغ اسلام نیز به دست مردم آن سرزمین به شهادت رسیدند. پیامبر تصمیم گرفت تا در پاسخ به این جنایات و رفتار جاهلانه امپراطوری روم عکس العمل نشان دهد. پس، ضمن نمایش قدرت لشکر اسلام و آزمودن توان نظامی دشمن، لشکری به استعداد سه هزار نفر به این ناحیه اعزام کرد. لشکر اسلام با قشون صد هزار نفری روم روبه رو شد. گرچه لشکر اسلام پس از شهادت سه فرمانده (جعفر بن ابی طالب، زید بن حارثه، عبدالله بن رواحه) و جمعی از سپاهیان ناچار به عقب نشینی شد، آثار و برکات سیاسی- تبلیغی بزرگی برای مسلمانان فراهم شد.

ب) جنگ تبوک (تبوک به فاصله ۷۷۸ کیلومتری در شمال شرقی مدینه قرار دارد.)

رسول خدا خبر یافتند که هرقل، امپراطور روم، به قصد تعرض و تجاوز به قلمرو حکومت اسلامی، سپاهی بزرگ فراهم آورده و مرزنشینان را نیز با خود همراه کرده است (مغازی واقدی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۹۹۰). پیامبر فرمان بسیج عمومی را صادر کرد. گرمای سوزان تابستان، تنگدستی مردم، دوری جبهه، انبوهی سپاه روم، و خاطره تلخ شکست موته مشکلاتی نبود که بتواند عزم راسخ رسول اکرم^(ص) را متزلزل کند. پس با سی هزار نفر عازم جبهه نبرد با رومیان شد. آن حضرت برای دفع خطر منافقان علی^(ع) را به عنوان جانشین خود در مدینه نصب کردند تا تحركات منافقان را زیر نظر داشته باشد (← مغازی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۹۹۶). هدف از این لشکرکشی پاسخ به تعرض دشمن، خونخواهی شهیدان موته، تعرض به امپراطوری روم و هم پیمانانش بود. خبر حرکت لشکر اسلام و استعداد و دلآوری های آنان موجب شد رومیان به سوی شمال عقب نشینی و از رویارویی با سپاه اسلام پرهیز کنند (طلاس و همکاران، ۱۳۸۰: ۴۸۳).

ج) جنگ اسامه بن زید

فشار بر رومیان ادامه یافت و پیامبر اکرم برای پایان دادن به تحریکات امپراطوری روم لشکری به فرماندهی اسامه بن زید آماده کردند (حلبی، بی تا، ج ۳: ۲۰۷؛ مغازی واقدی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۱۱۱۷). گرچه به دلیل رحلت رسول خدا^(ص) و تخلف برخی مسلمانان از لشکر اسامه وقفه ای در نبرد پیش آمد، مسلمانان در زمان خلافت ابوبکر به جبهه رومیان حمله بردند و بر آنان پیروز شدند. این نخستین پیروزی مسلحانه و خونین پس از جنگ تبوک بود که راه را برای فتوحات بعدی باز کرد (مغازی واقدی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۱۰۹۱ - ۱۱۲۴؛ وتر، ۱۳۷۴).

۴.۲.۵. جبهه اشراار و مفسدان فی الارض

از عناصری که امنیت مدینه را به هم می‌ریخت و در جامعه دینی رعب و هراس می‌افکند اشراار و اوباش و مفسدان فی الارض بودند. اینان از ملیت‌های گوناگون اسلام و یهود تشکیل می‌شدند.

– تدابیر پیامبر (ص) جهت حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی در مقابله با اشراار و مفسدان فی الارض

یکی از اینان کعب اشرف بود که از طرف مادر یهودی بود و در شعر و سخنوری مهارت داشت و دشمنان را بر ضد مسلمانان می‌شوراند و به مسلمانان اهانت و از زنان مسلمان هتک حرمت می‌کرد. این فرد مصداق بارز مفسد فی الارض بود و پیامبر (ص) حکم اعدام او را صادر کرد و حکم به دست محمد بن مسلمه و یارانش شبانه اجرا شد (← سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ۵۲۱ – ۵۲۳). همچنین محاربانانی که با کشتن چوپان‌ها به طرزی فجیع و غارت شتران زکات متواری شده بودند دستگیر شدند و به سزای اعمالشان رسیدند. به طور کلی تدبیر پیامبر (ص) در مقابله با این آسیب سخت اجتماعی مقابله و جنگ سخت بود.

۴.۲.۶. جبهه منافقان

جبهه دیگری که پیامبر (ص) از همان آغاز حکومت اسلامی با آن درگیر بود و بیش از هر جبهه‌ای مسلمانان را به خود مشغول ساخته بود جبهه منافقان بود. کارشکنی، شایعه‌پراکنی، جاسوسی، خرابکاری، سرپیچی از فرمان پیامبر، تخلف از جنگ، همکاری با دشمنان اسلام، نقشه کشتن رسول خدا (ص)، و اختلاف‌افکنی از اعمال بارز این‌ها بود.

– تدابیر پیامبر (ص) جهت حفظ و افزایش سرمایه‌های اجتماعی در مقابله با جبهه منافقان

حفظ سرمایه‌های اجتماعی حکومت دینی در مقابله با این جبهه داخلی خیلی مشکل بود. چون پیامبر (ص) نمی‌توانست رسماً دستور قتل آن‌ها و پاک‌سازی محیط جامعه اسلامی را از این طریق صادر کند. بنابراین در پاسخ عمر، که درخواست کشتن سرکرده منافقان عبدالله بن ابی را داشت، فرمودند: «صلاح نیست. مردم می‌گویند محمد یاران خود را می‌کشد.» (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۵۴). نیز در پاسخ کسانی که حکم اعدام منافقانی را خواستار بودند که نقشه قتل پیامبر را در تبوک کشیده بودند فرمودند: «اگر من آنان را مجازات کنم بیگانگان می‌گویند محمد پس از آنکه به اوج قدرت رسید شمشیر بر گردن یارانش نهاد.» (مغازی واقدی، ۱۳۶۹: ۱۰۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۲۱، ج: ۱۴۷). از این رو برخورد با این قوم فریبکار که ماسک اسلام را به چهره زده و با اسلام مبارزه می‌کردند تدابیر خاصی می‌طلبید که کمترین چالش را در جامعه داشته باشد.

الف) مدارا

پیامبر (ص) در پاسخ به کسی که به دنبال اعدام یکی از سران منافقین بود فرمودند: «چنین تصمیمی نیست و ما با او مدارا می‌کنیم.» (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۵۶). این تدبیر که از روح بلند آن حضرت حکایت داشت موج اعتراض مسلمانان را به سوی آن سرکرده منافقان کشاند؛ به گونه‌ای که در انظار مردم خوار و ذلیل شد و مورد تنفر و بی‌اعتنایی قرار گرفت که تا آخر عمر نتوانست در جامعه سر بلند کند.

ب) افشای ماهیت منافقان

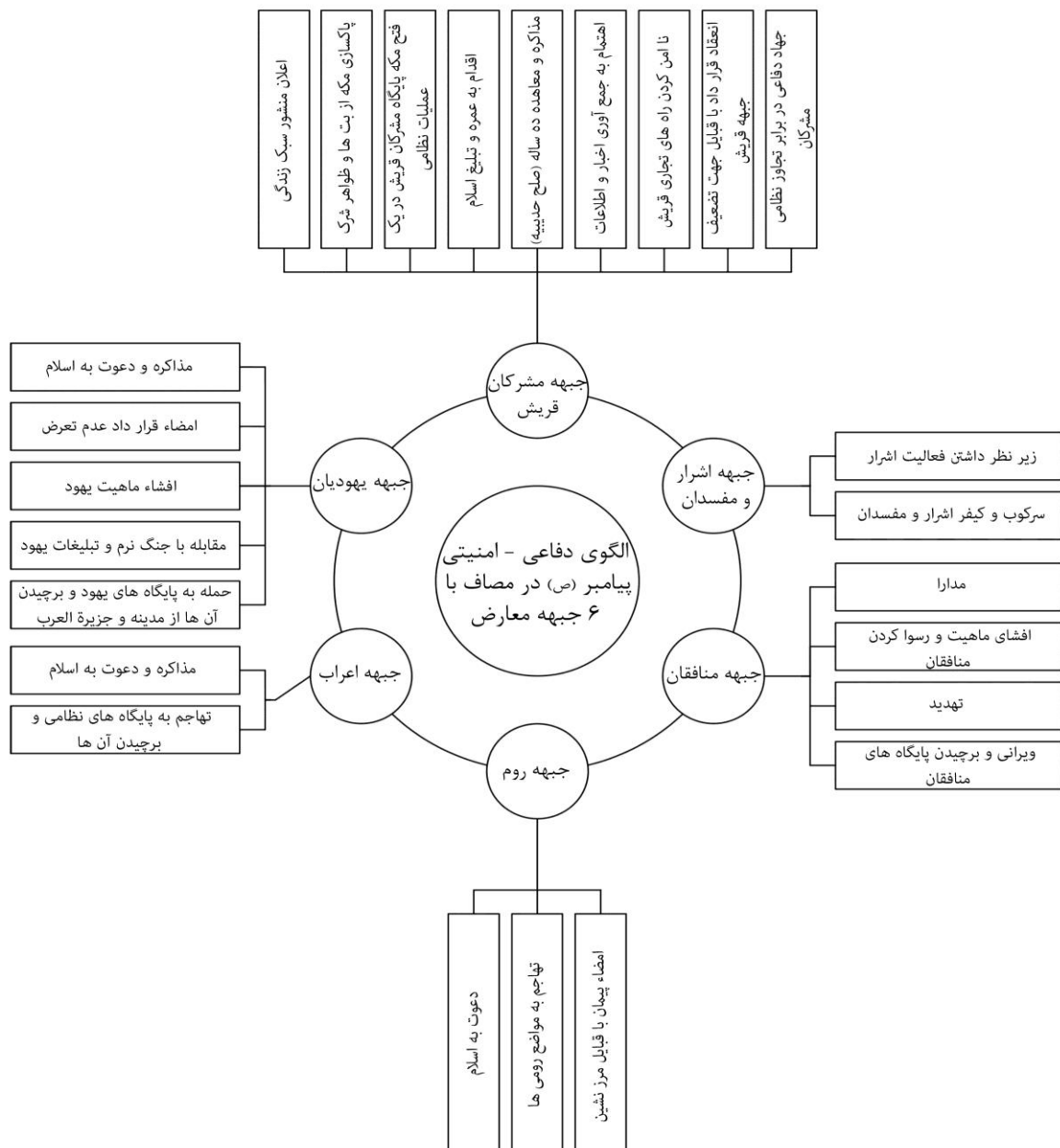
پیامبر خدا (ص) با آیات قرآن ماهیت و درون منافقین را برای مسلمانان آشکار می‌ساخت تا مردم به دام منافقین نیفتند و از آنان فاصله بگیرند. به همین جهت مسلمانان منافقان را خوب می‌شناختند و همواره در کمین آنان بودند و سخنان و رفتارشان را برای پیشگیری و اقدام لازم به پیامبر گزارش می‌دادند. این بیداری و اقدام به‌موقع موجب رسوایی منافقان و خنثی شدن توطئه‌های آن‌ها می‌شد.

ج) تهدید و شدت عمل

با نزول آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه / ۷۳) دستور به شدت عمل در برابر کفار و منافقان داده شد.

د) ویرانی و برچیدن پایگاه‌های منافقان

منافقان مدینه به دستور ابوعامر (پدر حنظله، شهید بدر)، که به سرزمین شام و حکومت روم گریخته بود، مرکزی به نام مسجد و به‌ظاهر جهت راحتی بیماران و کهن‌سالان و با هدف پایگاه جهت خرابکاری در منطقه قبا به پا کردند و از پیامبر نیز برای افتتاح آن دعوت کردند. پیامبر خدا (ص) آن را به بعد از غزوة تبوک وانهادند. بعد از ورود پیامبر (ص) به مدینه پیک وحی بر وی نازل شد و آن را مسجد ضرار نامید و پیامبر را از افتتاح آن منع کرد: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِصْرًا» (توبه/ ۱۰۷). بنابراین به دستور رسول خدا (ص) آن مرکز فساد و توطئه ویران شد و چوب‌هایش خاکستر و جایش زباله‌دان شد (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۸۴؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۶: ۱۳۶؛ ابن‌هشام، ۱۳۵۵: ق: ۵۳).



نمودار ۱. تدابیر اختصاصی پیامبر (ص) در مواجهه با شش جبهه آسیب‌سخت و نرم اجتماعی جهت حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی (منبع: یافته‌های پژوهش)



نمودار ۲. الگوی مدیریت پیامبر(ص) جهت حفظ و افزایش سرمایه اجتماعی جامعه نوپای صدر اسلام در مواجهه با آسیب‌های سخت و نرم اجتماعی (منبع: یافته‌های پژوهش)

۵. نتیجه

در این پژوهش ابتدا سرمایه اجتماعی مورد بازخوانی مجدد قرار گرفت و ضمن تحلیل تعاریف مختلف سطوح و ابعاد آن تعریف و مؤلفه‌های مختار انتخاب شد. آن‌گاه این انتخاب مختار به عنوان چارچوب نظری این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. سپس در ادامه کنش‌های تاریخی پیامبر اسلام^(ص) در این چهارچوب مورد خوانش و بازتحلیل قرار گرفت.

نتایج و یافته‌های این تحلیل نشان می‌دهد اهمیت به مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به مؤلفه‌ها و سطوح و ابعاد آن در سیره مدیریتی پیامبر^(ص) مورد توجه جدی قرار گرفته است؛ به نحوی که ایشان با طراحی راهبردهای گوناگون مختلف که برخی کلی و عمومی و برخی نیز خاص و مختص یک آسیب یا چالش اجتماعی بودند سعی کردند سرمایه اجتماعی جامعه نوپای صدر اسلام را تا حد ممکن از آن آسیب‌ها و چالش‌ها که منشأ شش‌گانه داشته‌اند حفظ کنند. همچنین ارائه راه کارهای آرمان‌گرایانه اما عملی، مانند برقراری پیوند برادری میان همه اعضای جامعه، سبب شد تحقق مفهوم سرمایه اجتماعی فقط در سطح حداقلی آن باقی نماند، بلکه به سطحی حداکثری که تحقق انسجام درونی میان فرهنگی بود نیز دست یابد.

در این زمینه، با توجه به یافته‌های پژوهش موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

- به دلیل شباهت‌های فراوانی که در اصول و اهداف دشمنان انقلاب اسلامی ایران و دشمنان پیامبر^(ص) وجود دارد، که یکی از اهداف اصلی آن‌ها به چالش کشیدن سرمایه و انسجام اجتماعی است، لازم است راهبردها و راهکار پیامبر^(ص) به عنوان اصولی که هم برآمده از وحی آسمانی است هم تجربه شده است، به عنوان اصولی کارآمد، مورد توجه سیاست‌گذاران فرهنگی و مسئولان قرار گیرد.

- این مقاله انتهای خوانش سیره پیامبر^(ص) در چهارچوب نظری مفهوم سرمایه اجتماعی نیست؛ بلکه به دلیل جامعه‌نه‌چندان همگن آن زمان و ترکیب‌های مختلف جمعیتی و قومی، از جمله عرب و مستعرب و عجم، جا دارد هر یک از قومیت‌های یادشده به طور خاص مورد تحلیل و خوانش قرار گیرند تا ضمن بررسی ظرفیت‌ها و آسیب‌های احتمالی هر یک برای توسعه یا به چالش کشیدن سرمایه اجتماعی بتوان با الگو گرفتن از سیره پیامبر^(ص) در برخورد اختصاصی با هر یک از این قومیت‌ها و فرهنگ‌ها به نقشه مناسبی جهت مدیریت فرهنگی جوامع با قومیت‌های گوناگون، مانند ایران و لبنان، دست یافت.

منابع

- ابن هشام (۱۳۵۵ ق). *السیره النبویه*. قاهره، مطبعه المصطفی البابی الحلبي.
- ازکیا، م و غفاری، غ. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران، کیهان.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۷). *دانشنامه سیاسی*. تهران، مروارید.
- باستانی، علی‌رضا و رزمی، سید محمدجواد (۱۳۹۳). رتبه‌بندی غیرمستقیم استان‌های ایران بر حسب سرمایه اجتماعی. *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۴، شماره ۵۵، ۴۵ - ۷۷.
- بدرالدین، محمد مهدی (۱۴۰۱). تأثیر جهاد بر سرمایه اجتماعی در فقه امامیه. *بلاغ مبین*، شماره ۶۰ و ۶۱، ۹۷-۱۱۳.
- بورديو، پيتر (۱۳۸۰). *نظریه کنش*. مترجم: مرتضی مردیها. تهران: نقش‌نگار.
- بیکر، واین (۱۳۸۲). *مدیریت و سرمایه اجتماعی*. مترجم: سید مهدی الوانی و محمدرضا ربیعی مندجین. تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- توسلی، غلام‌عباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۲). سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶، ۴۵-۶۱.
- جفری، ام. ایوت و رابرت، رجینالد (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات سیاسی و استراتژیک*. مترجم: میرحسین رئیس‌زاده. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جوکار، حامد (۱۳۹۹). روش حکومتی پیامبر در مدیریت سرمایه اجتماعی. *مدیریت سرمایه اجتماعی*، شماره ۱، ۵۴-۷۱.
- حلبی (بی‌تا). *السیره الحلبیه*. بیروت، دار المعرفه.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق). *تفسیر نور الثقلین*. قم، اسماعیلیان.
- دادگر، یدالله و نجفی، محمدباقر (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در عصر پیامبر اسلام (ص). *اقتصاد اسلامی*، سال ۶، شماره ۲۴، ۲۱-۳۶.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۳). *فروع ابدیت*. قم، بوستان کتاب.
- سعادت، رحمان (۱۳۸۶). تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها. *رفاه اجتماعی*، سال ۶، شماره ۲۳، ۴۳-۶۱.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۸). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*. مترجم: هادی جلیلی. تهران، نی.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰). *فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن*. *نامه انجمن جامعه‌شناسی تهران*. تهران، کلمه.
- طباره، عقیف عبدالفتاح (۱۳۷۶). *اليهود فی القرآن*. قم، شریف الرضی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). *سنن النبوی*. قم، بوستان کتاب.
- _____ (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم، اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۸۴). *مجمع البیان*. قم، ناصر خسرو طبرسی.
- طلاس، مصطفی و اکبری مرزناک، حسن (۱۳۸۰). *پیامبر و آیین نبرد*. تهران، بعثت.
- فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۶). *دین و سرمایه اجتماعی*. معرفت، شماره ۱۲۳، ۵۴-۷۱.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران، نی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار*. بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۹۶). *مروج المذهب*. تهران: علمی و فرهنگی.
- مسقطیان، بهمن و موسوی، طاهر (۱۳۸۳). *چارچوب‌بندی مشارکت اجتماعی بر مبنای سرمایه اجتماعی*. دوره ۲۱ (شماره ۸۰)، ۵۴-۸۴.
- مغازی واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹). *تاریخ جنگ‌های پیامبر*. تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- مقیمی، سید محمد؛ امامی، فرزانه و کاظمی، معصومه (۱۳۹۰). ارزیابی و اولویت‌بندی شاخصه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر عملکرد سازمانی در نظام دانشگاهی. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، دوره ۹، شماره ۲، ۲۹ - ۶۰.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۹۶). *تفسیر نمونه*. قم، دارالکتاب الاسلامیه.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). *مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی*. *رفاه اجتماعی*، سال ۶، شماره ۲۳.
- نخجوان، احمد (۱۳۱۷). *جنگ*. تهران، چاپخانه فردین و برادر.
- نصراللهی، زهرا و همکاران (۱۳۹۴). *سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در اسلام*. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۱۳، ۱۲-۳۱.
- نویدینیا، منیژه (۱۳۸۴). *چندگانگی امنیت، امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی*. *مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۲ و ۳، ۲۳-۴۳.
- نهج البلاغه.

وتر، محمدظاهر (۱۳۷۴). مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر. مترجم و محقق: اصغر قائدان. تهران، صریر.

Quran

- Ashuri, D. (2008). *Political encyclopedia*. Tehran: Marvarid Publishing House. (in Persian)
- Badr al-Din, M.M. (2022). The Impact of Jihad on social capital in Imami jurisprudence. *Balag Mobin*, 60-61. (in Persian)
- Baker, W. (2012). *Management and Social Capital*. Translated by Seyyed Mehdi Alwani and Mohammad Reza Rabiei Mandjin. Tehran: Industrial Management Organization Publications. (in Persian)
- Bastani, A.R. & Razmi, S. M.J. (2013). Indirect ranking of Iranian provinces according to social capital. *Social Welfare Quarterly*, Vol. 14, No. 55, 45-77. (in Persian)
- Bourdieu, P. (2001). *Theory of action*. Translated by Morteza Mardiha. Tehran: Naqshnegar Publications. (in Persian)
- Coleman, J. (1998). *Foundations of Sociological Theories*. Tehran: Nash Ni. (in Persian)
- Dadgar, Y. & Najafi, M.B. (2006). Social capital and its reproduction in the era of the Prophet of Islam (PBUH). *Islamic Economy*, sixth year, No. 24. (in Persian)
- Ezkiya, M. & Ghaffari, G. (2004). *Sociology of Development*. Tehran: Kaihan Publications. (in Persian)
- Fasihi, A. (2006). Religion and social capital. *Marafet magazine*, No. 123. (in Persian)
- Geoffrey, M. E. & Robert, R. (1999). *Dictionary of Political and Strategic Terms*. Translated by Mirhossein Raiszadeh. Tehran: Office of Political and International Studies. (in Persian)
- Halabi (n.d.). *Al-Sirah Al-Halabiyeh*. Beirut: Dar al-Marafa. (in Persian)
- Hawizi, A.A. J. (1994 AH). *Tafsir Noor al-Saqlain*. Qom: Ismailian. (in Persian)
- Ibn Hisham (1976 AH). *Al-Sirah Al-Nabawieh*. Cairo: Al-Mustafa Al-Babi Al-Halabi Publishing House. (in Persian)
- Jokar, H. (2019). Prophet's government method in social capital management. *Social Capital management*, Vol. 1. (in Persian)
- Majlesi, M.B. (2024 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Al-Wafa Institute. (in Persian)
- Makarem-Shirazi, N. (2016). *Tafsir Nashaun*. Qom: Darul Kitab al-Islamiya. (in Persian)
- Masoudi, A. H. (2016). *Moruj al-Mahhab*. Tehran: Scientific and cultural. (in Persian)
- Moghazi Waqadi, M. O. (1990). *History of the Prophet's Wars*. Tehran: Academic Publishing Center. (in Persian)
- Moghimi, S. M., Emami, F., & Kazemi, M. (2017). Evaluation and prioritization of social capital indicators and its impact on organizational performance in the university system. *Organizational culture management*, 9th cycle, 2nd issue, 29-60. (in Persian)
- Mousavi, M. (2007). Social participation is one of the components of social capital. *Social Welfare scientific-research quarterly*, sixth year, No 23. (in Persian)
- Muscatan, B. & Mousavi, T. (2013). *Social participation framework based on social capital*. (in Persian)
- Nahj al-Balagha. (in Persian)
- Nakhjavan, A. (1938). *Jang*. Tehran: Fardin and Baradar Printing House. (in Persian)
- Nasrallah, Z. et al. (2014). Social capital and its components in Islam. *Islamic Economics and Banking Promotion Quarterly*, No. 13. (in Persian)
- Navid-Nia, M. (2014). Multiplicity of security, national security, public and social security. *Social Security Studies Quarterly*, Vol. 2 & 3. (in Persian)
- Portes, A. (1998). Social Capital: Its origins and applications in modern sociology. *Annual Review of Sociology*, 24, 1-24.
- Putnam, RD. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton: Princeton University Press.
- Saadat, R. (2007). Estimation of the level and distribution of social capital in the provinces. *Social welfare scientific-research quarterly*, 6th year, No. 23. (in Persian)
- Seidman, S. (2009). *The conflict of opinions in sociology*. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ni. (in Persian)
- Sharapour, M. (2001). Erosion of social capital and its consequences. *Letter of Tehran Sociological Society*, Publishing the word. (in Persian)
- Sobhani Tabrizi, J. (2004). *Forough Abdit*. Qom: Bostan Kitab. (in Persian)
- Tabareh, A.A. F. (1997). *The Jews in the Qur'an*. Qom: Sharif Al-Razi Publications. (in Persian)
- Tabarsi, A.A. F. H. (2005). *Al Bayan Assembly*. Qom: Nasser Khosrow Tabarsi. (in Persian)
- Tabatabai, M.H. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications. (in Persian)
- , (2013). *Sunan al-Nabi*. Qom: Bostan Kitab. (in Persian)
- Talas, M. & Akbari Marznak, H. (2001). *The Prophet and Battle Ritual*. Tehran: Ba'ath. (in Persian)
- Tausli, Gh.A. & Mousavi, M. (2003). Capital in classical and new theories with an emphasis on social capital theories. *Social Sciences Journal*, No. 26. (in Persian)
- Vater, M.Z. (1995). *Military Management in Prophet's Battles*. Translated and researched by Asghar Qaidan. Tehran: Sarir. (in Persian)